

شناسایی بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران

بر مبنای تحلیل تصادفی داده-ستانده (SIO)

اسفندیار جهانگرد^۱

نیلوفر سادات حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰

چکیده

شناسایی بخش‌های کلیدی، موضوع مهمی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی است به طوری که در ادبیات اقتصادی، روش‌های متفاوتی برای تعیین این بخش‌ها ارایه شده است. در مطالعه حاضر، با استفاده از رویکرد تحلیل تصادفی به تعیین بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران پرداخته می‌شود. به این منظور از جدول داده-ستانده سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران و از روش برآوردهای فاصله‌ای و شبیه‌سازی مونت کارلو استفاده شده است. نتایج رویکرد غیرتصادفی بیانگر این است که در جدول ۲۵ بخشی، شش گروه بخش تجمع شده، به‌عنوان بخش‌های کلیدی قابل شناسایی هستند. همچنین در جدول ۹۹ بخشی، سیزده گروه بخش به‌عنوان بخش‌های کلیدی رویکرد غیرتصادفی داده-ستانده بدست آمد. نتایج این مقاله پیشنهاد می‌کند که تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران از جداول اصلی تجمع نشده برای مقاصد تحلیلی خود استفاده کنند.

واژگان کلیدی: بخش کلیدی اقتصادی، شبیه‌سازی، تحلیل تصادفی داده - ستانده.

JEL: O4, C15, C67.

۱. مقدمه

برای رسیدن به رشد اقتصادی برحسب اینکه در چه بخش‌هایی از اقتصاد سرمایه‌گذاری شود مسیرهای متفاوتی وجود دارد. میزان رشد به بخش‌هایی بستگی دارد که در آن سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین در درازمدت، به حداکثر رساندن رشد در گروه سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در بخش‌های کلیدی و مهم اقتصاد است (جهانگرد، ۱۳۸۱). یکی از اصلی‌ترین کاربردهای جدول داده-ستانده، محاسبه پیوندهای پسین و پیشین و درنهایت شناسایی بخش کلیدی است. فعالیت‌ها یا صنایعی که دارای بالاترین پیوندهای پسین و پیشین

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، Email: ejahangard@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تبریز، Email: niloofar_hoseyni65@yahoo.com

باشند، بخش‌های کلیدی تلقی می‌گردند. زیرا با تمرکز منابع تولیدی در آنها، امکان ایجاد انگیزه بیشتری، برای رشد سریع‌تر تولید، درآمد، اشتغال در قیاس با دیگر شقوق تخصیص منابع فراهم می‌گردد. شناسایی بخش‌های کلیدی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند بخش‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری در جهت افزایش تولید را معرفی کند. بنابراین انتخاب صنایع کلیدی و اولویت دادن به آنها، نه تنها در رشد پارامترهای مهم کلان اقتصادی اثر می‌گذارد، بلکه در نرخ تغییرات فنی کل اقتصاد نیز موثر است. از آنجا که پیوندهای پسین و پیشین، سازوکار انتقال تغییرات ساختاری تولید را به عهده دارند، به نظر می‌رسد که خصلت ایستای روش‌شناسی داده-ستانده سبب نمودن ارزش شاخص اثرهای مزبور در برقراری اولویت‌های سرمایه‌گذاری باشد. شناسایی بخش‌های کلیدی دارای پشتوانه نظری اقتصاد توسعه است که اهم آنها، نظریات رشد متوازن، رشد نامتوازن و قطب رشد است. بنابراین عدم توجه به این موضوع منجر به بروز مشکلات روش‌شناسی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی بخشی و تخصیص منابع می‌گردد.

از طرف دیگر، اکثر تحلیل‌های اقتصادی با محدودیت در دقت نتایج مواجه هستند. در این خصوص تحلیل‌های داده-ستانده هم در این موضوع متفاوت نیستند و با محدودیت‌هایی در میزان دقت نتایج روبرو هستند. چرا که جدول داده-ستانده همانند یک بانک اطلاعاتی است که داده‌های آماری موجود در هر جامعه‌ای در آن استفاده می‌شود و لذا این موضوع باعث ایجاد خطا در این مدل می‌گردد. به دلیل اینکه تحلیل‌های داده-ستانده از داده‌های آماری فراوان، از جمله ساختار هزینه بخش‌ها، تقاضای نهایی و اجزای ارزش افزوده استفاده نموده و با فروض مختلف تکنولوژی محاسبه می‌شوند؛ لذا در معرض خطاهای آماری متعدد می‌باشند که بر نتایج حاصل از آن نیز تاثیر می‌گذارد که در نتیجه بدلیل این خطاهای آماری در جدول داده-ستانده، برآورد نقطه‌ای و غیره، کمتر قابل اتکا می‌باشند (جهانگرد، ۱۳۷۹).

اکثر مطالعات پیشین در این حوزه موبد این است که برآوردهای انجام شده در زمینه الگوی داده-ستانده، اکثراً به صورت برآورد نقطه‌ای است. با توجه به خطای موجود در این برآوردها و همچنین محدودیت در دقت روابط فنی در چارچوب داده-ستانده، در این مقاله از تحلیل تصادفی استفاده می‌شود. بدین منظور از رویکرد تصادفی راس موسن برای تشخیص فعالیت‌های کلیدی اقتصاد ایران استفاده می‌شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه تجمع بخش‌ها در جداول داده-ستانده منجر به بروز خطا در برآورد پیوندهای پسین و پیشین و شناسایی بخش‌های کلیدی می‌شود؛ از اینرو در این مطالعه با استفاده از رویکرد تحلیل تصادفی راس موسن، بخش‌های کلیدی در جدول داده-ستانده تجمع شده و نشده شناسایی می‌شود. با این وصف سازماندهی مقاله بدین شرح است که ابتدا به مباحث نظری و مدل تحقیق پرداخته می‌شود و در ادامه مروری بر متون مربوط صورت می‌گیرد. سپس با استفاده از دو رویکرد غیرتصادفی و تصادفی راس موسن،

نتایج تجربی مرتبط با جدول داده-ستانده سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران، مورد مقایسه قرار می‌گیرد و در نهایت جمع‌بندی مقاله ارایه آمده است.

۲. چارچوب نظری

سنجش اهمیت اندازه پیوند بخش‌های پستوانه نظری متفاوتی مانند نظریات رشد متوازن و نامتوازن و قطب‌رشد است. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم رشد اقتصادی جهان، شتاب شایان توجهی گرفت و در آن دوره کشورهای توسعه‌نیافته با اتخاذ برخی الگوهای رشد، برای جبران عقب‌ماندگی تاریخی خود تلاش کردند. روزنشتاین-رودن در اوایل جنگ جهانی دوم (۱۹۴۳)، برای رسیدن به نرخ رشد سریع، فشار بزرگ "حرکت عظیم" در غرب و جنوب غربی اروپا را مطرح کردند. روزنشتاین-رودن چنین استدلال می‌نمایند که سرمایه‌گذاری در یک بخش به تنهایی موجب توسعه اقتصادی نمی‌شود، بلکه لازمی دست‌یابی به توسعه اقتصادی این است که چندین بخش با بازدهی فزاینده به گونه‌ای دست به تولید بزنند که هر کدام از این بخش‌ها تقاضایی برای محصول دیگری فراهم آورند. نظریه‌ی رشد متوازن، بطور کلی موانع سمت تولید (عرضه) را بدون در نظر گرفتن سمت تقاضا مورد توجه قرار می‌دهد. انتقاداتی به تئوری رشد متوازن توسط هیرشمن (۱۹۸۵) و استریتین (۱۹۵۹) وارد شده است. این نقطه نظر در چارچوب رشد نامتوازن مورد بحث قرار می‌گیرد.

بر اساس اظهارات مدافعان رشد نامتوازن، این تئوری اساساً بر لزوم صرفه‌جویی در کاربرد منابع تاکید دارد. به عنوان مثال در کشورهای در حال توسعه چنین استدلال می‌شود که بدلیل کمبود کارفرما، دست‌یابی به رشد متوازن مشکل است (باور ویامی، ۱۹۵۷ و کیندلبرگر، ۱۹۵۸) وجود چنین رشدی باید نامتوازن باشد. زیرا به کشورهای توسعه‌نیافته کمک می‌کند که در تصمیم‌گیری‌های ملی خود صرفه‌جویی کنند (گتاک، سابراتا، ۱۳۶۹). طرفداران نظریه‌ی رشد نامتعادل عنوان می‌کنند، نظریه رشد متعادل و همه جانبه نیازمند سرمایه‌گذاری‌های وسیع و همزمان است، درحالی‌که مشکل اصلی کشورهای توسعه‌نیافته کمبود سرمایه است. از طرفی با اجرای همزمان سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های مختلف، مشکل برنامه‌ریزی بوجود می‌آید و ممکن است در اثر اشتباه در برنامه‌ریزی و تخصیص نادرست منابع، از کارایی آنها کاسته شده و نیز بسیاری از منابع تلف شوند. از اینرو بایستی سرمایه‌های موجود و در دسترس را به بخش‌ها یا صنایعی اختصاص داد که بتواند نقش محرک را برای سایر بخش‌ها یا صنایع ایفا کند. به این معنا که منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیگر توسط منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در بخش‌های پیشرو فراهم شود و

از این طریق صرفه‌جویی‌ها و توسعه‌ی اقتصادی بدست آید. پرو^۱، هیرشمن^۲، سینگر^۳، کیندلبرگر^۴، استرین^۵، روستو^۶ از پیروان دکترین رشد نامتعادل هستند که در آن، نظریه قطب رشد متجلی می‌یابد (مولایی، ۱۳۸۷). در مجموع هیرشمن در نظریه‌ی رشد نامتوازن، خواهان ایجاد سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی است تا بتواند زمینه‌های رشد تمام بخش‌های اقتصادی را فراهم آورد. در این نظریه، بخش‌های کلیدی (پیشرو)، منجر به ارتقای سایر بخش‌ها به همراه خود می‌شوند (آسیایی، ۱۳۸۰).

با توجه به این مسئله که تاکنون روش‌های مختلف شناسایی بخش کلیدی اقتصاد، متکی بر داده‌های غیرتصادفی بوده‌است، لذا تمامی برآوردهای حاصل از مدل‌های سنتی، برآورد نقطه‌ای می‌باشند. اما بدلیل وجود خطاهای آماری در مدل‌های داده-ستانده، لزوم بکارگیری روش‌های تصادفی روشن و مبرهن است. به همین منظور در این مطالعه برای شناسایی بخش‌های کلیدی اقتصاد، مدل تصادفی راس موسن علاوه بر مدل نقطه‌ای آن با استناد بر کار مکس ماندی^۷، مطرح است. در ادامه، روش‌شناسی هر دو رویکرد آورده شده‌است.

۱.۲. رویکرد غیرتصادفی راس موسن^۸

مهمترین کاربرد عملی جداول داده-ستانده محاسبه‌ی پیوندهای پسین و پیشین و در نهایت شناسایی صنایع کلیدی در نظام اقتصادی هر کشور است. در این باره یکی از روش‌های شناسایی بخش‌های کلیدی، روش راس موسن است که در این روش با استفاده از ماتریس معکوس لئونتیف پیوندهای پسین و پیشین محاسبه می‌شوند. روش مذکور به اختصار در ذیل آورده شده‌است. ابتدا با استفاده از رابطه (۱) معکوس ماتریس لئونتیف (A) بدست می‌آید.

$$B = (I - A)^{-1} = [b_{ij}] \quad (1)$$

راس موسن روشی از محاسبه‌ی پیوندها را ابداع کرد که در آن معکوس ماتریس لئونتیف استفاده شده است. وی مدعی شده که این ماتریس هم اثرات مستقیم و هم اثرات غیرمستقیم افزایشی در تولید یک صنعت را به حساب می‌آورد (اسفندیاری، ۱۳۷۷). راس موسن دو شاخص قدرت انتشار و حساسیت

1. Francios Perroux

2. Hirschman

3. Singer

4. Kindleberger

5. Streeten

6. Rostow

7. Max Munday

8. Rasmussen, P.

پراکندگی را مورد استفاده قرار داد. این شاخص‌ها، امروزه به‌عنوان فنون سنتی اما آسان برای تشخیص پیوندهای پسین و پیشین و صنایع کلیدی پذیرفته شده‌اند. اگر K_{ij} دلالت بر عنصری از ماتریس معکوس لئونتیف داشته باشد و K_j و K_i به‌عنوان حاصل جمع عناصر ستونی و سطری ماتریس مزبور تعریف شوند و K میانگین ناموزون تمام عناصر ماتریس معکوس باشد، آنگاه شاخص‌های قدرت و حساسیت پراکندگی به نحو زیر تعریف می‌شوند:

$$K_j = \sum K_{ij} \quad (۲)$$

$$K_i = \sum K_{ij} \quad (۳)$$

$$K = \frac{1}{n^2} \sum K_j = \frac{1}{n^2} \sum K_i = \frac{1}{n^2} \sum \sum K_{ij} \quad (۴)$$

$$U_j = \frac{\left[\frac{K_j}{n} \right]}{K} \quad (۵)$$

$$U_i = \frac{\left[\frac{K_i}{n} \right]}{K} \quad (۶)$$

n تعداد بخش‌ها در اقتصاد است. U_j و U_i به ترتیب برای اندازه‌گیری پیوندهای پسین و پیشین در نظام اقتصادی بکار می‌روند. لذا اگر U_j و U_i بزرگتر از واحد باشند، مبین آن است که، بطور متوسط، ستون j یا سطری i ماتریس معکوس بزرگتر از مقدار میانگین ماتریس در حالت کلی است. راس موسن دریافت که یک بخش ممکن است دارای مقادیر نسبتاً بالایی از U_j و U_i باشد، درحالی‌که در نظام اقتصادی با نسبت کمی از دیگر صنایع مرتبط باشد. به همین دلیل، ضریب انحراف معیار متوسط برای هر بخش را معرفی نمود. همچنین رابطه‌ی (۷)، برای محاسبه‌ی انحراف معیار ارایه شد.

$$\sigma_j = \sqrt{\frac{1}{n-1} \sum \left(K_{ij} - \frac{1}{n} \sum K_{ij} \right)^2} \quad (۷)$$

$$V_j = \frac{\sigma_j}{K_j} \quad (۸)$$

$$V_i = \frac{\sigma_i}{K_i} \quad (۹)$$

در این روابط σ_j و σ_i ، به ترتیب انحراف معیار ورودی‌های ستونی j و سطری i را نشان می‌دهند. در مدل راس موسن، صنایعی کلیدی محسوب می‌شوند که هم دارای U_j و U_i بزرگتر از واحد، یعنی پیوندهای پسین و پیشین بزرگتر از یک و هم دارای V_j و V_i نسبتاً پایینی باشند (اسفندیاری، ۱۳۷۷).

۲.۲. رویکرد تصادفی راس‌موسن

محدودیت در دقت روابط فنی در چارچوب داده-ستانده، منجر به بکارگیری روش‌های تحلیل تصادفی گردیده‌است. روش‌هایی که تاکنون برای تعیین پیوندهای پسین و پیشین در نظر گرفته می‌شود، بر مبنای داده‌های معین و بدون خطا بوده است، اما در عمل تحلیل داده-ستانده نیز همانند سایر تحلیل‌های اقتصادی با محدودیت در دقت نتایج مواجه‌است. که منشاء این امر به مسائل نمونه‌گیری و آماری مربوط است (جهانگرد، ۱۳۷۹). در این مطالعه پیرو کار جانسن^۱، (kop jansen, 1994)، خطاهای مستقل در ضرایب جدول داده-ستانده، به وسیله ضرایب فنی جایگزین که دارای توزیع β هستند، ملحوظ می‌شوند. تابع تجمعی β ، به صورت $IX(p, q)$ مطرح است. در این تابع، $\beta(p, q)$ تابع بتا است و پارامترهای p, q با استفاده از میانگین (a_{ij}) و انحراف استاندارد (δ_{ij}) طبق روابط زیر بدست می‌آیند:

$$IX(p, q) = \frac{1}{\beta(p, q)} \int_0^x x^{p-1} (1-x)^{q-1} dx \quad (10)$$

$$p = a_{ij} \left(\frac{a_{ij} - a_{ij}^2}{\delta_{ij}^2} - 1 \right) \quad (11)$$

$$q = (1 - a_{ij}) \left(\frac{a_{ij} - a_{ij}^2}{\sigma_{ij}^2} - 1 \right) \quad (12)$$

برای شناسایی بخش کلیدی تصادفی، با بکارگیری "شبه‌سازی مونت کارلو"، و با استفاده از میانگین و انحراف معیار ضرایب فنی مرتبط با هر بخش، شبه‌سازی ۱۰۰۰ تایی صورت می‌گیرد. با استفاده از این شبه‌سازی می‌توان، ضرایب فنی جایگزین که دارای توزیع بتا هستند را محاسبه نمود. تحلیل تصادفی بخش کلیدی از دو منظر مورد توجه است:

- با استفاده از این روش می‌توان یک دامنه‌ای برای پیوندهای پسین و پیشین برآورد نمود. مختصات پیوند برآورد شده به صورت (FL_{ik}, BL_{ik}) , $(k = 1, \dots, m)$ نمایش داده شده است.

- با استفاده از روش پارزن ویندوز^۲، هر یک از مختصات‌های (FL_{ik}, BL_{ik}) ، با میانگین صفر، واریانس یک ارائه شده‌اند. هر تابع چگالی احتمال (pdf)^۱، برای مقادیر پیوندها به صورت $S_i(V_{FL}, V_{BL})$ نمایش داده شده است.

1. Kop Jansen

2. Parzen Windows:

امانوئل پارزن، در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی برای اولین بار این رویکرد را به صورت یک تحلیل ریاضیاتی منسجم و دقیق ابداع کرد. با توجه به نمونه داده‌شده به صورت x ، پنجره پارزن، یک چگالی احتمال به صورت $P(x)$ برای نمونه مشتق شده تخمین می‌زند. هر مشاهده x_i یک PDF (تابع چگالی احتمال) تخمین زده شده را ارائه می‌کند. ابتدا مقدار $P(x)$ PDF در نقطه x تخمین زده می‌شود و سپس تابع پنجره، به جای x جایگزین

$$S_i(v_{FL}, v_{BL}) = \frac{1}{m} \sum_{k=1}^m \frac{1}{h_m} \frac{1}{\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{1}{2} \left(\frac{v - v_{k|}}{h_m} \right)^2} \quad (13)$$

$$= \frac{1}{m} \sum_{k=1}^m \frac{1}{h_m} \frac{1}{\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{1}{2} \left(\frac{\sqrt{(v_{FL} - FL_{ik})^2 + (v_{BL} - BL_{jk})^2}}{h_m} \right)^2}$$

در رابطه فوق، m تعداد مختصات پیوندهای جایگزین تولید است و h_m براساس روش پهنای باند بدست می‌آید. با استفاده از روابط زیر پیوندهای پسین و پیشین در این تحقیق به صورت زیر قابل محاسبه هستند:

پیوند پسین بخش (BLOS):^۲

$$BLOS = \int_1^{\infty} \int_{-\infty}^1 S_i(v_{FL}, v_{BL}) dv_{FL} dv_{BL} \quad (14)$$

بخش کلیدی (ks):^۳

$$ks_i = \int_1^{\infty} \int_1^{\infty} S_i(v_{FL}, v_{BL}) dv_{FL} dv_{BL} \quad (15)$$

پیوند پیشین بخش (FLOS):^۴

$$FLOS = \int_{-\infty}^1 \int_1^{\infty} S_i(v_{FL}, v_{BL}) dv_{FL} dv_{BL} \quad (16)$$

بخش ضعیف (WOS):^۵

$$WOS = \int_{-\infty}^1 \int_{-\infty}^1 S_i(v_{FL}, v_{BL}) dv_{FL} dv_{BL} \quad (17)$$

می‌شود و تعداد مشاهدات X_i که درون این پنجره قرار می‌گیرند را، اندازه می‌گیرد. در نهایت مقدار PDF $P(x)$ از جمع نهایی این مشاهدات در داخل پنجره بدست می‌آید. تخمین پنجره پارزن به صورت زیر است:

$$P(x) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{1}{h_n^k} k \left(\frac{x - x_i}{h_n} \right)$$

1. Probability Density Function
2. Backward Linkage Oriented Sector
3. Key Sector
4. Forward linkage oriented sector
5. Weak Linkage Oriented Sector

با استفاده از ۴ معادله‌ی فوق می‌توان، وزن گروه بخش‌ها در هر ربع گراف بخش کلیدی را پیش‌بینی نمود و می‌توان بخش‌های کلیدی و بخش‌های ضعیف را شناسایی نمود و مقایسه‌ای با حالت غیر تصادفی آنها داشت (Beynon, Munday, 2007).

۳. پیشینه تحقیق

در این بخش، مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه‌ی روش‌های شناسایی بخش‌های کلیدی، صورت می‌گیرد. ابتدا مروری بر مطالعات خارجی و سپس مطالعات داخلی انجام می‌شود. در این خصوص مطالعات زیادی در قالب تحلیل تصادفی آماری، تحلیل فازی^۱ و نظریه شبکه^۲ انجام شده است. مکس ماندی و ملکوم^۳، در مطالعه‌ی خود به دلیل نااطمینانی نتایج برآوردهای نقطه‌ای ضرایب داده-ستانده، برای شناسایی بخش کلیدی در اقتصاد کوئیزلند از روش تحلیل تصادفی استفاده کرده‌اند. به دلیل خطای موجود در جداول تجمع‌شده بخشی، با استفاده از رویکرد تحلیل تصادفی به مقایسه جداول تجمع‌شده و جمع نشده اقتصاد ولز پرداخته‌اند. در این مقاله با استفاده از شبیه‌سازی مونت کارلو، برای بدست آوردن ضرایب فنی تصادفی که دارای توزیع بتا می‌باشند، شبیه‌سازی ۱۰۰۰۰ تایی صورت گرفته است. در این مطالعه پس از به دست آمدن ضرایب فنی تصادفی، از طریق روش پنجره پارزن، تابع چگالی احتمال برای برآورد دامنه‌ی پیوندهای پسین، پیشین و شناسایی بخش کلیدی ساخته شده است و با استفاده از انتگرال‌گیری چندگانه گراف بخش کلیدی را برای اقتصاد کوئیزلند و ولز ترسیم نموده‌اند. برای انجام مطالعه بر روی اقتصاد کوئیزلند، از جدول تجمع‌شده ۵ بخشی استفاده شده است که از طریق این جدول مقایسه‌ای بین روش برآورد نقطه‌ای و روش تحلیل تصادفی صورت گرفته است. در هر دو تحلیل بخش سوم به عنوان بخش کلیدی اقتصاد کوئیزلند شناسایی شده است. در ادامه برای مقایسه‌ی بخش کلیدی حاصل از جدول تجمع‌شده و تجمع‌نشده، با استفاده از روش تحلیل تصادفی، مطالعه‌ای بر روی اقتصاد ولز انجام شده است. آنها در این مطالعه، جدول ۷۴ بخشی اقتصاد ولز را به ۲۲ بخش جمع می‌کنند. بخش‌های کلیدی حاصل از جدول ۷۴ بخشی عبارتند از: پلاستیک، خدمات پستی، ماهیگیری و کشاورزی، تجهیزات کنترلی، بهداشت، ساختمان، تفریح و رفاه، عمده‌فروشی، برق و خدمات حمل‌ونقل. در حالت تجمع‌شده ۴ گروه بخش‌ها، به عنوان بخش‌های کلیدی شناسایی گردیده‌اند که عبارتند از: gr: کشاورزی، ماهیگیری و

1. Morillas and Barbara (2008)

2. Monize, and Carmen (2008) and Jahangard and Keshtvarz (2012)

3. Malcolm J. Beynon. Max Munday (2007)

جنگلداری؛ g_{۱۴}: برق، آب و گاز؛ g_{۱۸}: خدمات بانکی و مالی، بیمه و سایر خدمات مالی و g_{۲۱}: آموزش و پرورش و بهداشت.

تن رآ و مارک استیل^۱ ۱۹۹۳، در مطالعه‌ی خود به تجدیدنظر مدل تحلیل تصادفی داده-ستانده پرداخته‌اند. آنها مشکل اساسی تحلیل داده-ستانده‌ی منطقه‌ای را بی‌دقتی داده‌های جداول داده-ستانده عنوان می‌نمایند و تنها راهکار برای حل این معضل را استفاده از تحلیل تصادفی داده-ستانده بیان می‌کنند. در این مقاله، کار وست^۲، ۱۹۸۶، مورد بررسی محققین این پژوهش قرار گرفته‌است. آنها بیان می‌نمایند که؛ وست در مطالعه‌ی خود بر روی کوئیزلند مرکزی، فرض می‌نماید که ضرایب داده‌ها دارای توزیع نرمالند و فرمول آنها برگرفته از تقریبی از واریانس و میانگین ضرایب داده-ستانده است. که در این فرمول‌های به‌دست آمده، ناسازگاری آشکار دارند. آنها در این پژوهش برای جبران نمودن نقص موجود در کار وست، ارزیابی مستقیم ضرایب را با استفاده از شبیه‌سازی مونت کارلو، در تحلیل تصادفی داده-ستانده پیشنهاد می‌نمایند و با تحمیل توزیع بتا بر روی ضرایب داده، آنها را در فاصله‌ی (۰,۱) محدود می‌نمایند. سپس میانگین، واریانس و فاصله‌ی اطمینان ضرایب فزاینده را محاسبه می‌کنند و نتایج خود را با کار وست مقایسه می‌نمایند. اکثر مطالعات در زمینه‌ی شناسایی بخش‌های کلیدی، که در ایران انجام شده‌است، بر پایه‌ی روش‌های غیرتصادفی بوده‌است. تنها مطالعات صورت گرفته در زمینه‌ی تحلیل تصادفی، مطالعه‌ی جهانگرد (۱۳۷۹) و جهانگرد و عاشوری (۱۳۸۹) است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود. جهانگرده (۱۳۷۹) در مقاله‌ی خود چنین مطرح می‌کند که، اکثر تحلیل‌های اقتصادی با محدودیت در نتایج مواجه هستند. این موضوع به دلیل مسائل نمونه‌گیری و خطاهای آماری است. در این زمینه تحلیل‌های داده-ستانده مستثنی نیست و به علت عدم وجود دقت لازم در داده‌های مورد استفاده همواره با محدودیت دقت در نتایج حاصله از آن مواجه است. او به دلیل اهمیت موضوع، به بررسی تحلیل تصادفی داده-ستانده در ایران بر مبنای جدول سال ۱۳۷۰ مرکز آمار ایران در قالب ۷۸ بخش اقتصادی، پرداخته‌است. در این خصوص به دلیل خطاهای آماری موجود در جدول داده-ستانده ایران، به جای برآورد نقطه‌ای از ضرایب فزاینده تولید و درآمد، از مدل تصادفی داده-ستانده برآوردهای فاصله‌ای متغیرهای مزبور محاسبه گردیده است. در این پژوهش برآورد ضرایب مزبور، از طریق مدل کوانت و حالت عمومی مسئله محاسبه شده‌اند. او چنین نتیجه می‌گیرد که، بین برآورد نقطه‌ای و فاصله‌ای در جدول داده-ستانده ایران تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. که علت این امر را می‌توان در نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات و میزان دقت آنها برای تدوین جدول

1. Thijs Ten Raa and Mark F.J. Steel

2. West.Guy

داده-ستانده ذکر نمود. جهانگرد و عاشوری، ۱۳۸۹؛ در پژوهش خود شناسایی بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران و بررسی پیوندهای پسین و پیشین را با استفاده از روش سنتی IO و مقایسه آن با روش اقتصادسنجی و روش DEA انجام داده‌اند. آنها از جداول عرضه و مصرف سال ۱۳۸۰ و ماتریس ضرایب فنی مستقیم و ماتریس معکوس لئونتیف و گش استفاده نموده‌اند. اهمیت این تحقیق در استفاده از هر سه روش به خصوص تحلیل اقتصادسنجی در شناسایی بخش‌های کلیدی است که برای اولین بار در ایران انجام شده است.

۴. پایه‌های آماری مطالعه

در این مقاله از جدول داده-ستانده‌ی ۹۹ بخشی سال ۱۳۸۰، با فرض تکنولوژی بخش و بخش در بخش از جدول داده-ستانده‌ی مرکز آمار ایران برآورد و استفاده شده‌است. علت استفاده از جدول داده-ستانده سال ۱۳۸۰، به روزترین جدول داده-ستانده آماری رسمی مورد تایید و در دسترس تشخیص داده شده است. در تهیه‌ی جدول داده-ستانده سال ۱۳۸۰، طبقه‌بندی مورد استفاده برای رشته فعالیت‌ها، براساس ویرایش سوم ISIC، و طبقه‌بندی مورد استفاده برای محصولات براساس نسخه نخست CPC، مصوب در بیست و نهمین نشست کمیسیون سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۷ است (جهانگرد، عاشوری، ۱۳۸۹). در این مطالعه با استفاده از روش طبقه‌بندی ISIC، جدول داده-ستانده ۹۹ بخشی به ۲۵ بخش تجمیع شده‌است.

۵. نتایج تجربی

۱.۵. تحلیل نتایج رویکرد غیر تصادفی راس موسن

در این بخش، با استفاده از روابط (۵) و (۶)، رویکرد غیر تصادفی راس موسن، U_i و U_j ، به ترتیب پیوندهای پسین و پیشین محاسبه شده‌است. همانطور که در بحث نظری مقاله، اشاره شد، در این روش پس از محاسبه پیوندهای پسین و پیشین، ضریب انحراف معیار متوسط برای هر بخش با بکارگیری نرم‌افزار Excell محاسبه شده و در نهایت بخشی به عنوان بخش کلیدی شناسایی شده که هم دارای U_i و U_j بزرگتر از واحد، یعنی پیوندهای پسین و پیشین بزرگتر از یک و هم دارای V_i و V_j ، (ضریب انحراف متوسط) نسبتاً پایینی هستند. بنابراین، $U_i < 1$ نشان می‌دهد که بخش مزبور به نحو چشمگیری با کل اقتصاد ارتباط پسین دارد و هنگامیکه $U_i > 1$ است، بدین معنی است که، بخش i باید تولیدش را بیشتر از سایر بخش‌ها، برای یک‌واحد افزایش در عوامل اولیه کل اقتصاد، افزایش دهد. در ادامه، ابتدا نتایج تجربی این روش، با بکارگیری جدول داده-ستانده‌ی ۹۹ بخشی سال ۱۳۸۰ اقتصاد ایران، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس نتایج محاسبات مذکور، بر روی همین جدول، اما بصورت تجمیع شده و ۲۵ بخشی، آورده شده است.

در این جدول بخش‌هایی که بطور هم‌زمان، دارای پیوندهای پسین و پیشین بزرگتر از واحد هستند، مشخص شده‌اند. جدول ۱، نشان می‌دهد که، ۱۳ بخش دارای پیوندهای پسین و پیشین بزرگتر از واحد هستند از این ۱۳ بخش، تنها ۲ بخش در گروه کشاورزی و ۱۱ بخش دیگر در بخش صنعت قرار دارند. این بخش‌ها عبارتند از: دامداری، مرغداری، ساخت سایر محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، ساخت منسوجات، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی، ساخت فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده، ذغال کک و عمل‌آوری سوخت‌های هسته‌ای، ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی، ساخت محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، ساخت محصولات اساسی آهن و فولاد، ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات ساخت و سائل‌نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر، سایر ساختمان‌ها و تولید، انتقال و توزیع برق. اما راس موسس برای شناسایی بخش کلیدی شرط دومی را نیز در نظر دارد و آن ضریب انحراف متوسط پایین در بخش‌های دارای پیوند پسین و پیشین بزرگتر از واحد است. برای این منظور در جدول ۲، ضریب انحراف معیار متوسط هر بخش، ارائه شده‌است.

جدول ۲ نشان می‌دهد که ۱۳ بخش مذکور دارای ضرایب انحراف معیار متوسط پایینی هستند. لذا همگی آنها در این رویکرد بخش کلیدی هستند. جداول ۳ و ۴ به ترتیب نتایج مربوط به پیوندهای پسین، پیشین و ضرایب انحراف معیار متوسط هر بخش، با استفاده از جدول ۲۵ بخشی اقتصاد ایران، را ارائه می‌نمایند.

جدول ۳. پیوندهای پسین و پیشین روش راس موسن برای اقتصاد ۲۵ بخشی

ردیف	Uj	Ui	ردیف	Uj	Ui
۱	۱.۰۳۷۳۳۳	۱.۶۰۰۰۷	۱۴	۱.۱۴۳۰۵۹	۱.۳۷۹۴۰۳
۲	۰.۶۸۶۵۵۲	۱.۱۰۲۹۶	۱۵	۱.۲۷۰۷۹۵	۰.۸۲۰۰۲۴
۳	۱.۴۱۳۶۰۷	۱.۰۹۷۰۹۲	۱۶	۰.۸۳۸۲۴۴	۱.۶۷۰۷۹۲
۴	۱.۱۱۸۲۱۷	۰.۹۳۴۱۵۱	۱۷	۱.۱۵۶۸۴۸	۰.۷۰۳۵۸۸
۵	۱.۱۱۴۵۵۴	۱.۰۰۳۶۶۵	۱۸	۰.۹۵۷۳۹۷	۱.۴۱۵۱۰۹
۶	۰.۹۷۶۳۸۱	۱.۵۱۰۹۵۸	۱۹	۰.۸۲۵۲۷۴	۰.۹۰۰۹۱۱
۷	۱.۱۳۱۲۳۶	۱.۰۶۷۳۳۵	۲۰	۰.۸۰۱۹۷۱	۰.۹۶۵۶۴۵
۸	۱.۱۳۴۲۷۵	۱.۴۹۲۸۷۸	۲۱	۰.۸۵۷۹۲	۰.۶۷۴۳۲۵
۹	۰.۹۰۹۲۶۴	۰.۸۳۳۱۲۱	۲۲	۰.۷۸۳۵۰۸	۰.۶۷۴۴۳۳
۱۰	۰.۹۹۰۶۴۹	۰.۷۹۷۳۹۳	۲۳	۰.۸۶۹۰۹۶	۰.۶۶۸۶۱۸
۱۱	۰.۸۰۱۵۲	۰.۶۷۹۹	۲۴	۰.۹۷۲۴۳۱	۰.۳۷۲۱۵
۱۲	۱.۱۸۷۴۱۳	۰.۸۷۸۱۰۶	۲۵	۰.۸۳۶۱۸	۰.۶۷۲۳۸۲
۱۳	۱.۱۸۶۲۷۴	۰.۷۱۹۹۲۸			

منبع: جدول داده-ستانده ۱۳۸۰ و محاسبات تحقیق

نتایج در جدول ۳، بیانگر این است که ۶ گروه بخش، از ۲۵ گروه بخش جدول تجمیع شده ایران، دارای پیوندهای پسین و پیشین بزرگتر از واحد هستند. این گروه بخش‌ها عبارتند از: گروه بخش کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری، که از تجمیع بخش‌های (۸ تا ۱) جدول ۹۹ بخشی اقتصاد ایران بدست آمده است. گروه بخش صنایع تولید مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات، شامل بخش‌های (۱۷ تا ۱۵) جدول ۹۹ بخشی اقتصاد ایران است. گروه بخش ساخت چوب، کاغذ و محصولات آنها، حاصل تجمیع بخش‌های (۲۳ تا ۲۱) جدول ۹۹ بخشی اقتصاد ایران است. گروه بخش ساخت محصولات لاستیکی، پلاستیکی و شیشه، از تجمیع بخش‌های (۲۸ تا ۲۶) جدول ۹۹ بخشی اقتصاد ایران بدست آمده است. گروه بخش ساخت محصولات اساسی آهن، فولاد، مس، آلومینیوم و سایر فلزات، شامل بخش‌های (۳۳ تا ۲۹) جدول ۹۹ بخشی اقتصاد ایران است. گروه بخش تأمین برق، گاز و آب، حاصل تجمیع بخش‌های (۴۸ تا ۴۶) جدول ۹۹ بخشی اقتصاد ایران است. ۶ گروه بخش مذکور، شرط اول رویکرد راس موسن در شناسایی بخش کلیدی را دارا هستند. برای بررسی شرط دوم به نتایج جدول ۴، که انحراف معیار بخش‌هاست، توجه شود.

جدول ۴. ضرایب انحراف معیار متوسط ۲۵ بخش اقتصاد ایران

ردیف	Vj	ردیف	Vi	Vj	ردیف
۱	۰.۰۸۶۰۲۲	۱۴	۰.۱۱۵۵۹۷	۰.۱۱۳۵	۰.۰۸۴۲۳۳
۲	۰.۰۵۱۸۸۳	۱۵	۰.۰۸۴۵۰۳	۰.۰۶۷۱۸۲	۰.۰۷۷۶۹۷
۳	۰.۱۳۰۱۹۲	۱۶	۰.۰۹۴۲۶۶	۰.۰۶۴۷۳۸	۰.۰۲۵۶۷۲
۴	۰.۰۹۳۱۱۷	۱۷	۰.۱۲۹۵۲۸	۰.۱۰۸۳۸۲	۰.۰۳۶۴۰۹
۵	۰.۰۸۳۱۶۸	۱۸	۰.۰۹۸۰۰۴	۰.۰۷۹۶۸۱	۰.۰۳۳۴۴۸
۶	۰.۰۹۳۲۶۵	۱۹	۰.۰۳۹۲۲۲	۰.۰۷۴۰۶۵	۰.۰۵۲۲۹۳
۷	۰.۰۵۶۶۲۴	۲۰	۰.۰۶۰۴۶۵	۰.۰۸۶۹۰۷	۰.۰۴۳۷۰۱
۸	۰.۰۸۷۱۲	۲۱	۰.۰۶۱۱۶۷	۰.۰۶۰۴۹۶	۰.۰۳۹۰۴۶
۹	۰.۰۸۴۴۲۲	۲۲	۰.۰۹۶۱۵۴	۰.۰۳۹۰۱۹	۰.۰۶۹۵۷۸
۱۰	۰.۰۸۰۲۶۲	۲۳	۰.۱۱۷۴۰۷	۰.۰۵۹۹۲۷	۰.۱۱۲۰۴۹
۱۱	۰.۰۶۱۲۳	۲۴	۰.۱۱۸۶۴۲	۰.۰۴۳۵۶۶	۰.۱۰۷۴۸
۱۲	۰.۰۸۱۹۸۴	۲۵	۰.۱۴۸۶۴۱	۰.۰۶۷۸۰۳	۰.۰۶۹۵۹۳
۱۳	۰.۰۵۱۴۲۸		۰.۱۲۰۶۱۱		

منبع: جدول داده-ستانده ۱۳۸۰ و محاسبات تحقیق

جدول فوق نشان می‌دهد که انحراف معیار متوسط ۶ گروه بخش، پایین است. لذا این ۶ گروه بخش را می‌توان، به عنوان بخش‌های کلیدی رویکرد راس موسن غیر تصادفی با استفاده از جدول داده-ستانده ۲۵ بخشی سال ۱۳۸۰ اقتصاد ایران معرفی نمود. از مقایسه‌ی جداول ۱ و ۳، که به ترتیب دربردارنده‌ی پیوندهای پسین و پیشین نرمال‌شده‌ی رویکرد غیر تصادفی راس موسن برای جداول داده-ستانده‌ی ۹۹ بخشی و ۲۵ بخشی هستند، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. حدود ۸۳٪ از بخش‌های کلیدی حاصل از جداول داده-ستانده تجمیم‌شده و نشده، در گروه فعالیت‌های مرتبط با صنعت قرار دارد و درصد باقیمانده‌ی آن در هر دو جدول مربوط به بخش کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن است. لذا در نگاه اول هر دو جدول تجمیم‌شده و نشده، در حالت کلی، دید یکسانی به برنامه‌ریزان می‌دهد.

۲. اولین بخش کلیدی در جدول ۲۵ بخشی، گروه بخش یک است، که از تجمیم بخش‌های (۸-۱)، جدول ۹۹ بخشی بدست آمده است و این در حالی است که تنها دو بخش از این هشت بخش دارای شروط لازم جهت کلیدی شدن هستند و در جدول ۹۹ بخشی تنها بخش‌های دامداری (۴) و مرغداری (۵)، به‌عنوان بخش کلیدی شناسایی شده‌اند. لذا پس از تجمیم این هشت بخش، شش بخش بدون داشتن خاصیت کلیدی بودن، در زیر گروه بخش یک جدول تجمیم‌شده، قرار گرفته‌است که این امر (تجمیم) می‌تواند، منجر به بروز خطا در کار برنامه‌ریزان گردد و تصمیمات سرمایه‌گذاری را تغییر دهد.

گروه بخش کلیدی دوم در جدول تجمع شده، از تجمع بخش‌های (۱۷-۱۵)، بدست آمده است و در جدول داده-ستانده ۹۹ بخشی نیز، بخش‌های ساخت سایر محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها (۱۶) و ساخت محصولات از توتون و تنباکو (۱۷)، به‌عنوان بخش‌های کلیدی شناسایی شده‌اند.

۳. سومین گروه بخش کلیدی در جدول تجمع شده، محصول تجمع بخش‌های (۲۳-۲۱) است و در حالیکه در جدول ۹۹ بخشی تنها بخش ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۲۲)، به‌عنوان بخش کلیدی شناسایی شده است و بخش‌های (۲۱) و (۲۲) جزء بخش‌های معمولی است که در حالت تجمع شده، جزء زیرگروه بخش کلیدی قرار گرفته است.

۴. چهارمین گروه بخش کلیدی حاصل از جدول ۲۵ بخشی، شامل بخش‌های (۲۸-۲۶)، است. هر دو بخش این گروه بخش، در حالت تجمع نشده، به‌عنوان بخش کلیدی شناسایی شده‌اند.

۵. گروه بخش کلیدی پنجم در جدول تجمع شده، از بخش‌های (۳۳-۲۹) بدست آمده است. در این گروه بخش، تنها بخش‌های ساخت محصولات اساسی آهن و فولاد (۲۹) و ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات (۳۳)، جزء بخش‌های کلیدی حاصل از جدول ۹۹ بخشی هستند.

۶. ششمین گروه بخش کلیدی حاصل از جدول ۲۵ بخشی، از تجمع بخش‌های (۴۸-۴۶) بدست آمده است، که در حالت ۹۹ بخشی، تنها بخش تولید، انتقال و توزیع برق (۴۶) به‌عنوان بخش کلیدی شناسایی شده است.

۷. در میان سیزده بخش کلیدی حاصل از جدول تجمع نشده، بخش‌های ساخت فرآورده‌های نفتی تصفیه شده و ذغال کک و عمل‌آوری سوخت‌های هسته‌ای (۲۴)، ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر (۴۲) و سایر ساختمان‌ها (۵۰) در میان گروه بخش‌های کلیدی جدول تجمع شده ۲۵ بخشی قرار نگرفته است.

نتایج بیانگر این مطلب است که، با وجود اینکه تجمع جداول داده-ستانده منجر به تسهیل محاسبات ماتریس‌های بزرگ است، اما با این حال بروز خطا در شناسایی دقیق بخش‌های کلیدی اقتصاد کشور نیز محرز است. زیرا با تجمع جداول داده-ستانده، بخشی از اطلاعات و شفافیت آنها از بین می‌رود. از این روی، با وجود اینکه تجمع جداول باعث کاهش هزینه‌ی زمان برنامه‌ریزان و تسهیل محاسبات است، اما هزینه‌ی بالاتری دارد که آن، از دست دادن دقت نتایج است.

۲.۵. تجزیه و تحلیل نتایج رویکرد تحلیل تصادفی راس‌موسن

در این بخش با استفاده از روش‌شناسی تحلیل تصادفی پیوندها، که در مباحث نظری مقاله آورده شد، به شناسایی بخش‌های کلیدی تصادفی پرداخته شده است. جدول داده-ستانده مورد استفاده در این بخش از

مقاله، جدول تجمیع شده ۲۵ بخشی سال ۱۳۸۰ اقتصاد ایران است. محاسبات این بخش به کمک نرم‌افزارهای Excell و MATLAB انجام شده است. با استفاده از روابط (۱۰ تا ۱۷)، در روش شناسی رویکرد تحلیل تصادفی، ضرایب فنی جایگزین محاسبه شده‌اند. با استفاده از رابطه (۱۰)، تحلیل تصادفی و با استفاده از شبیه‌سازی ۱۰۰۰ تایی مونت کارلو، ۱۰۰۰ ماتریس ضرایب فزاینده جایگزین بدست می‌آید، که همگی دارای توزیع بتا می‌باشند. سپس با استفاده از رویکرد راس موسس برای هر بخش، یک مختصات بصورت (FL_{ik}, BL_{ik}) بدست آمده است. در این مختصات ها (۱،۲،۳،۴،۵) و $(k=1, \dots, m)$ و m تعداد شبیه‌سازی انجام شده که در این مطالعه $m=1000$ است با استفاده از این روش می‌توان یک دامنه‌ای برای پیوندهای پسین و پیشین برآورد نمود. مختصات پیوند برآورد شده به صورت $(k=1, \dots, m)$ ، (FL_{ik}, BL_{ik}) نمایش داده شده است. بعد از محاسبه مختصات‌های فوق با استفاده از میانگین‌گیری ساده برای هر بخش، میانگین FL_{ik} و BL_{ik} محاسبه شده است. این میانگین‌ها در محاسبه S_i یا تابع چگالی احتمال به کمک روش پنجره‌های پارزن، مورد استفاده قرار گرفته است. هر تابع چگالی احتمال، برای مقادیر پیوندها به صورت $S_i(v_{FL}, v_{BL})$ نمایش داده شده و نتایج میانگین‌های مختصات‌های (FL_{ik}, BL_{ik}) و S_i ها به ترتیب در جداول ۴ و ۵ آورده شده است.

جدول ۴. میانگین مختصات‌های (FL_{ik}, BL_{ik}) تصادفی

ردیف	میانگین FL	میانگین BL	ردیف	میانگین FL	میانگین BL
۱	۰.۹۹۰۶۰۴	۱.۰۰۱۱۴۹	۱۴	۱.۱۲۰۴۹۱	۱.۰۱۳۱۱۲
۲	۰.۹۹۰۸۶۶	۰.۹۴۸۴۴۸	۱۵	۱.۰۰۱۶۹۳	۱.۰۷۰۵۱۸
۳	۱.۰۴۹۵۴۴	۱.۰۰۶۵۱۶	۱۶	۱.۴۰۳۴۱۸	۰.۹۷۱۸۶۹
۴	۱.۰۱۲۵۲۷	۱.۰۱۷۷۷۵	۱۷	۰.۹۶۰۲۰۷	۱.۰۰۰۵۶۳
۵	۱.۰۴۳۵۸۷	۱.۰۴۱۱۶	۱۸	۱.۰۰۶۲۸۱	۱.۰۰۲۶۰۵
۶	۱.۳۴۶۴۳۷	۰.۹۹۸۸۰۵	۱۹	۱.۰۱۸۲۱۱	۰.۹۵۶۸۳۵
۷	۱.۰۶۸۵۹۷	۱.۰۵۸۰۲۸	۲۰	۰.۹۶۵۹۷۱	۰.۹۵۳۸۲۱
۸	۱.۰۷۳۳۷۲	۱.۰۲۱۴۷۹	۲۱	۰.۹۲۷۰۵	۰.۹۶۸۰۸۱
۹	۰.۹۸۸۰۶۸	۰.۹۹۵۰۶	۲۲	۰.۹۲۴۱۴۳	۰.۹۵۹۵۸۵
۱۰	۰.۹۷۹۱۵	۰.۹۸۵۳۴۴	۲۳	۰.۹۲۴۹۹۲	۰.۹۷۸۰۹۴
۱۱	۰.۹۴۱۶۹۲	۰.۹۵۸۰۳۹	۲۴	۰.۹۳۸۰۸۳	۰.۹۷۶۷۵۷
۱۲	۱.۰۵۲۵۳۱	۱.۰۶۹۱۴۵	۲۵	۰.۹۴۹۱۴۵	۰.۹۶۵۷۲۹
۱۳	۰.۹۶۳۹۲۲	۱.۰۸۱۴۸۷			

منبع: جدول داده-ستانده تجمیع شده سال ۱۳۸۰ و محاسبات تحقیق

جدول ۵. مقادیر $S_i(VFL, VBL)$

ردیف	$S_i(FL, BL)$	ردیف	$S_i(FL, BL)$
۱	۳۰۷۲۳۷۷	۱۴	۱۸۰۹۴۸۷
۲	۳۰۴۷۶۱۳	۱۵	۳۰۴۰۹۸۲
۳	۱۸۱۳۰۷۷	۱۶	۲۸۶۹۶۴۹
۴	۲۶۴۰۰۷۷	۱۷	۴۳۲۵۰۸۷
۵	۲۸۶۹۶۷۷	۱۸	۳۰۷۶۸۹۹۵
۶	۱۶۵۲۹۳۲	۱۹	۳۸۴۹۵۶۹
۷	۲۳۳۶۰۴	۲۰	۵۳۸۹۹۵۲
۸	۲۵۳۳۹۳۸	۲۱	۵۵۳۴۰۲۸
۹	۳۸۰۱۳۴۳	۲۲	۶۲۴۷۱۷۳
۱۰	۳۰۹۱۲۲۶۴	۲۳	۵۷۱۲۳۳۱
۱۱	۵۷۵۵۶۹۴	۲۴	۵۵۴۵۴۶۷
۱۲	۲۴۱۵۹۷۲	۲۵	۵۹۲۲۰۵۱
۱۳	۳۰۲۷۴۳۲		

منبع: جدول داده-ستانده تجمیع شده ۱۳۸۰ و محاسبات تحقیق

در جدول ۶، بخش‌های کلیدی با استفاده از میانگین مختصات‌های مونت کارلوی FL_{ik} و BL_{ik} مشخص شده‌است. بخش‌هایی به عنوان بخش کلیدی شناسایی شده‌اند، که بطور همزمان، دارای میانگین‌های FL_{ik} و BL_{ik} بزرگتر از واحد هستند. در این جدول چهار ربع در نظر گرفته شده‌است. ویژگی‌های این چهار ربع به قرار زیر است: ربع $FLOS^1$ ، بخش‌هایی در این ربع قرار می‌گیرند که، دارای " $FL_i > 1$ میانگین" و " $BL_i < 1$ میانگین" هستند. این بخش‌ها، دارای پیوند پیشین قوی هستند و نسبت به سایر بخش‌های کل اقتصاد، مقادیر بیشتری کالا و خدمات به کل اقتصاد عرضه می‌نمایند.

ربع $BLOS^2$ ، بخش‌های واقع در این ربع، دارای " $FL_i < 1$ میانگین" و " $BL_i > 1$ میانگین" هستند. از اینرو، این بخش‌ها را بخش‌های دارای پیوند پسین قوی می‌نامند و بخش‌هایی هستند که، در فرآیند تولید خود، نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی، مقادیر بیشتری کالا و خدمات از سایر بخش‌ها تقاضا می‌نمایند.

ربع KS^3 ، در این ربع بخش‌هایی قرار می‌گیرند که، دارای " $FL_i > 1$ میانگین" و " $BL_i > 1$ میانگین" هستند و بخش کلیدی نامیده می‌شوند. ربع WOS^4 ، بخش‌های ضعیف در این ربع‌اند و دارای " $FL_i < 1$ میانگین" و " $BL_i < 1$ میانگین" هستند.

1. Forward Linkage Oriented Sector
2. Backward Linkage Oriented Sector
3. Key Sector
4. Weak Linkage Oriented Sector

جدول ۶. شناسایی بخش کلیدی جدول ۲۵ بخشی

BLOS	KS
کشاوری، شکار، جنگلداری و ماهیگیری؛ تولید مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر؛ هتل و رستوران	صنایع تولید مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات؛ صنایع تولید منسوجات، پوشاک و چرم؛ ساخت چوب، کاغذ و محصولات آنها؛ ساخت محصولات لاستیکی، پلاستیکی، شیشه‌ای و محصولات؛ ساخت محصولات اساسی آهن، فولاد، مس، آلومینیوم و سایر؛ ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر، نیم‌تریلر و سایر تجهیزات؛ تأمین برق و گاز و آب؛ ساختمان؛ حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات
WOS	FLOS
استخراج از معدن؛ تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر؛ ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری، برقی، رادیو، تلویزیون؛ ساخت ابزار پزشکی، اپتیک، ساعت‌های مچی و انواع دیگر؛ مستغلات اجاره و فعالیت‌های کسب و کار؛ اداره امور عمومی و دفاع و تأمین اجتماعی اجباری؛ آموزش؛ بهداشت و مددکاری اجتماعی؛ سایر فعالیت‌های خدمات عمومی و اجتماعی و شخصی؛ سایر خدمات	ساخت فرآورده‌های نفتی تصفیه شده و ذغال کک و عمل‌آوری سوخت‌های هسته‌ای و مواد و محصولات شیمیایی؛ عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی؛ واسطه‌گری‌های مالی

منبع: محاسبات تحقیق

در حالت تصادفی، گروه بخش‌های زیر به‌عنوان بخش‌های کلیدی شناسایی می‌شوند، که عبارتند از: گروه بخش صنایع تولید مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات؛ تجمع بخش‌های (۱۵ تا ۱۷). صنایع تولید منسوجات، پوشاک و چرم؛ تجمع بخش‌های (۱۸ تا ۲۰). ساخت چوب، کاغذ و محصولات آنها؛ تجمع بخش‌های (۲۱ تا ۲۳). ساخت محصولات لاستیکی، پلاستیکی، شیشه‌ای و محصولات کانی غیرفلزی؛ تجمع بخش‌های (۲۶ تا ۲۸). ساخت محصولات اساسی آهن، فولاد، مس، آلومینیوم و سایر فلزات؛ تجمع بخش‌های (۲۹ تا ۳۳). ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر، نیم‌تریلر و سایر تجهیزات حمل‌ونقل؛ تجمع بخش‌های (۴۲ تا ۴۳). تأمین برق، گاز و آب؛ تجمع بخش‌های (۴۶ تا ۴۸). ساختمان؛ تجمع بخش‌های (۴۹ تا ۵۰). حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات؛ تجمع بخش‌های (۵۵ تا ۶۲).

با استفاده از روابط (۱۳ تا ۱۷)، $S_i(v_{FL}, v_{BL})$ همان بخش، با استفاده از نرم‌افزار MATLAB محاسبه شده است و نتایج آن در جدول ۷ آورده شده است. نتایج برای هر بخش با چهار عدد، بصورت FLOS، BLOS، KS و WOS وضعیت بخش را در هر کدام از این حالت‌ها نمایان می‌کند. جدول ۷، مقادیر پیش‌بینی شده مرتبط با ربع‌های جدول شناسایی بخش کلیدی، برای هر بخش را نمایش می‌دهد. در این جدول مقادیر خط کشیده شده، مشخص کننده‌ی ماهیت گروه بخش، اعم از FLOS، WOS و ... هستند. مقادیر خط کشیده شده برای هر بخش، حداکثر مقدار در میان چهار جواب انتگرال دو گانه برای هر بخش

است. از سوی دیگر مقادیر پررنگ‌تر^۱، انعکاس نتایج جدول ۶، در جدول ذیل هستند. به‌عنوان مثال گروه بخش ۱، در جدول ۶، به‌عنوان بخش (BLOS1)، شناسایی شده‌است و لذا مقدار انتگرال BLOS₁ در جدول ۷، پررنگ‌تر شده‌است. از سوی دیگر در میان چهار جواب انتگرال‌های گروه بخش یک، مقدار BLOS₁=0.0367 از بقیه‌ی بزرگتر است، لذا این مقدار با خط کشیده مشخص شده است. با مقایسه‌ی سایر بخش‌ها، نتیجه چنین است که میان نتایج جدول ۶ و جدول ۷، بطور کامل انطباق وجود دارد.

جدول ۷. سطوح پیش‌بینی شده‌ی مرتبط با ربع‌های جدول شناسایی بخش کلیدی

ردیف	BLOS	KS	FLOS	Wos
۱	۰.۰۳۶۷	۰.۰۲۷۲	۰.۰۲۶۲	۰.۰۳۵۳
۲	۰.۰۱۰۹	۰.۰۰۸۱	۰.۰۴۵۵	۰.۰۶۰۹
۳	۰.۰۱۱۱	۰.۰۰۵۸	۰.۰۴۷۱	۰.۰۰۹
۴	۰.۰۳۲۱	۰.۰۰۴۸	۰.۰۲۷۱	۰.۰۱۸۲
۵	۰.۰۱۹۱	۰.۰۰۸۰۵	۰.۰۲۰۸	۰.۰۰۴۹
۶	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۶۱۵	۰.۰۶۳۹	۰.۰۰۰۰۰
۷	۰.۰۰۹۳	۰.۰۰۰۶	۰.۰۱۴۱	۰.۰۰۱۳
۸	۰.۰۰۵۹	۰.۰۰۷۷۶	۰.۰۳۸۹	۰.۰۰۳
۹	۰.۰۳۴۳	۰.۰۲۳۴	۰.۰۲۷۴	۰.۰۴۰۲
۱۰	۰.۰۳۱۹	۰.۰۱۶۳	۰.۰۲۶۱	۰.۰۵۱
۱۱	۰.۰۲۲۱	۰.۰۰۳۱	۰.۰۱۲۲	۰.۰۸۸
۱۲	۰.۰۱۶۹	۰.۰۰۹۸	۰.۰۰۸۹	۰.۰۰۱۵
۱۳	۰.۰۹۰۹	۰.۰۰۲۸	۰.۰۰۱۵	۰.۰۰۴۹
۱۴	۰.۰۰۰۶۰۴	۰.۰۰۷۵	۰.۰۴۹۳	۰.۰۰۰۰۳۹
۱۵	۰.۰۵۶۱	۰.۰۰۵۹۳	۰.۰۰۵۱	۰.۰۰۴۸
۱۶	۱.۲۰E-۱۷	۰.۰۰۳۶	۰.۰۰۸۹۴	۲.۹۸E-۱۷
۱۷	۰.۰۴۹۸	۰.۰۱۳۵	۰.۰۱۳۲	۰.۰۴۸۹
۱۸	۰.۰۲۹۴	۰.۰۰۳۵۹	۰.۰۰۳۳	۰.۰۰۲۷
۱۹	۰.۰۰۸۷	۰.۰۰۱۵۶	۰.۰۰۶۴۹	۰.۰۰۳۶۱
۲۰	۰.۰۱۶۸	۰.۰۰۰۵۵	۰.۰۰۲۵۶	۰.۰۰۷۷۵
۲۱	۰.۰۰۳۰۴	۰.۰۰۰۲۴	۰.۰۰۰۶۷	۰.۰۰۸۵۹
۲۲	۰.۰۰۲۴۶	۰.۰۰۰۱۷	۰.۰۰۰۶۴	۰.۰۰۹۲۷
۲۳	۰.۰۰۳۸۷	۰.۰۰۰۲۸	۰.۰۰۰۵۶	۰.۰۰۷۸۳
۲۴	۰.۰۰۳۵۹	۰.۰۰۰۴۳	۰.۰۰۰۹۲	۰.۰۰۷۵۹
۲۵	۰.۰۰۲۶۱	۰.۰۰۰۴۸	۰.۰۰۱۴۶	۰.۰۰۷۹۸

منبع: محاسبات تحقیق

۳.۵. مقایسه‌ی نتایج رویکرد غیر تصادفی و تصادفی راس موسن

جدول زیر نشان می‌دهد که، نتایج دو رویکرد در هفت گروه بخش، با یکدیگر تفاوت دارد و نتایج سایر بخش‌ها، با یکدیگر همپوشانی دارند. همچنین ملاحظه می‌گردد که، کلیه‌ی گروه بخش‌های کلیدی رویکرد غیر تصادفی راس موسن، در رویکرد تحلیل تصادفی آن نیز، بخش کلیدی هستند بجز گروه بخش کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری که در رویکرد تصادفی راس موسن به‌عنوان گروه بخش دارای پیوند پسین قوی شناسایی شده است. به‌عبارت دیگر، تنها پنج گروه بخش کلیدی رویکرد غیر تصادفی راس موسن، در رویکرد تحلیل تصادفی آن نیز کلیدی شناسایی شده‌اند. اما چهار گروه بخش کلیدی دیگر در رویکرد تصادفی، در روش غیر تصادفی راس موسن کلیدی شناسایی نشده‌اند.

جدول ۸. مقایسه‌ی نتایج رویکرد تصادفی و غیر تصادفی راس موسن

ردیف	عنوان بخش	غیر تصادفی	تصادفی
۱	کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری	KS	BLOS
۲	استخراج از معدن	FLOS	WOS
۳	صنایع تولید مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات	KS	KS
۴	صنایع تولید منسوجات، پوشاک و چرم	BLOS	KS
۵	ساخت چوب، کاغذ و محصولات آنها	KS	KS
۶	ساخت فرآورده‌های نفتی تصفیه شده و ذغال کک و عمل آوری سوخت‌های هسته‌ای و مواد و محصولات شیمیایی	FLOS	FLOS
۷	ساخت محصولات لاستیکی، پلاستیکی، شیشه‌ای و محصولات کانی غیر فلزی	KS	KS
۸	ساخت محصولات اساسی آهن، فولاد، مس، آلومینیوم و سایر فلزات	KS	KS
۹	تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	WOS	WOS
۱۰	ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری، برقی، رادیو، تلویزیون و وسایل ارتباطی	WOS	WOS
۱۱	ساخت ابزار پزشکی، اپتیک، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	WOS	WOS
۱۲	ساخت وسائل نقلیه موتوری، تریلر، نیم‌تریلر و سایر تجهیزات حمل‌ونقل	BLOS	KS
۱۳	تولید بلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	BLOS	BLOS
۱۴	تأمین برق و گاز و آب	KS	KS
۱۵	ساختمان	BLOS	KS
۱۶	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی	FLOS	FLOS
۱۷	هتل و رستوران	BLOS	BLOS
۱۸	حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات	FLOS	KS
۱۹	واسطه‌گری‌های مالی	WOS	FLOS
۲۰	مستغلات اجاره و فعالیت‌های کسب و کار	WOS	WOS
۲۱	اداره امور عمومی و دفاع و تأمین اجتماعی اجباری	WOS	WOS
۲۲	آموزش	WOS	WOS
۲۳	بهداشت و مددکاری اجتماعی	WOS	WOS
۲۴	سایر فعالیت‌های خدمات عمومی و اجتماعی و شخصی	WOS	WOS
۲۵	سایر خدمات	WOS	WOS

منبع: محاسبات تحقیق

ربع طبقه‌بندی این گروه بخش‌ها در رویکرد غیر تصادفی راس موسن بصورت زیر هستند: صنایع تولید منسوجات، پوشاک و چرم: ربع BLOS. ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر، نیم‌تریلر و سایر تجهیزات حمل‌ونقل: ربع BLOS. ساختمان: ربع BLOS. حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات: ربع FLOS. همچنین گروه بخش استخراج از معدن، در حالت تصادفی راس موسن به‌عنوان بخش ضعیف شناسایی شده و در رویکرد غیر تصادفی راس موسن، به‌عنوان بخش دارای پیوند پیشین قوی شناسایی شده‌است. از سوی دیگر گروه بخش واسطه‌گری‌های مالی در رویکرد غیر تصادفی به‌عنوان بخش ضعیف و در رویکرد تصادفی به‌عنوان بخش دارای پیوند پیشین قوی شناسایی شده‌است. این نتایج نشان می‌دهند که در تجمیع جدول داده-ستانده، خطاهایی رخ می‌دهد که باعث گمراهی و خطا در تشخیص بخش‌های اقتصادی از نظر کلیدی بودن است. نتایج تحقیق گویای آن است که در اثر تجمیع در جداول داده-ستانده و بدنبال آن پردازش آنها، در شناسایی بخش‌های کلیدی محقق دچار خطا شده و ممکن است موجب اتخاذ تصمیم‌های نادرست سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری‌های اشتباه در بخش‌های ناکارا شود.

۶. نتیجه‌گیری

برای دست‌یابی به رشد اقتصادی برحسب اینکه در چه بخش‌هایی از اقتصاد سرمایه‌گذاری شود مسیرهای متفاوتی وجود دارد. میزان رشد به بخش‌هایی بستگی دارد که در آن سرمایه‌گذاری شود. بنابراین در بلندمدت، به حداکثر رساندن رشد در گروه سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در بخش‌های کلیدی و مهم اقتصاد است. مهمترین کاربرد جداول داده-ستانده، شناسایی بخش‌های کلیدی اقتصاد است. از سوی دیگر با توجه به اینکه برای تهیهی جداول داده-ستانده از داده‌های آماری فراوان، از جمله ساختار هزینه بخش‌ها، تقاضای نهایی و اجزای ارزش افزوده استفاده می‌نمایند و با فروض مختلف تکنولوژی محاسبه می‌شوند. لذا در معرض خطاهای آماری متعدد هستند که بر نتایج حاصل از آن نیز تاثیر می‌گذارد که در نتیجه بدلیل این خطاهای آماری در جداول داده-ستانده، برآورد نقطه‌ای و غیر تصادفی آنها، کمتر قابل اتکا است. با توجه به خطای موجود در این برآوردها و همچنین محدودیت در دقت روابط فنی در چارچوب داده-ستانده در این تحقیق تحلیل تصادفی بکار گرفته می‌شود، که منجر به دستیابی به برآوردهایی قابل اتکا تر است. از سوی دیگر با توجه به اینکه تجمیع بخش‌ها در جداول داده-ستانده منجر به ایجاد زمینه بروز خطا در برآورد پیوندهای پسین و پیشین و شناسایی بخش‌های کلیدی است. لذا در این مطالعه، با استفاده از رویکرد تصادفی راس موسن خطای حاصل از تجمیع بیشتر از روش غیر تصادفی برجسته شده‌است. نتایج نشان می‌دهد که، با استفاده از جدول داده-ستاندهی ۹۹ بخشی اقتصاد ایران، ۱۳ بخش به‌عنوان بخش‌های

کلیدی اقتصاد ایران با رویکرد راس موسن قابل تشخیص هستند، که عبارتند از: دامداری، مرغداری، ساخت سایر محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، ساخت منسوجات، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی، ساخت فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده، ذغال کک و عمل‌آوری سوخت‌های هسته‌ای، ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی، ساخت محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، ساخت محصولات اساسی آهن و فولاد، ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات ساخت و سائل‌نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر، سایر ساختمان‌ها و تولید، انتقال و توزیع برق. همچنین شش گروه بخش، با استفاده از جدول تجمع‌شده ۲۵ بخشی با بکارگیری رویکرد غیر تصادفی راس موسن به‌عنوان بخش‌های کلیدی شناسایی شدند، که عبارتند از: گروه بخش کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری، گروه بخش صنایع تولید مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات، گروه بخش ساخت چوب، کاغذ و محصولات آنها، گروه بخش ساخت محصولات لاستیکی، پلاستیکی و شیشه، گروه بخش ساخت محصولات اساسی آهن، فولاد، مس، آلومینیوم و سایر فلزات و گروه بخش تأمین برق، گاز و آب. در روش رویکرد تحلیل تصادفی راس موسن، با استفاده از جدول تجمع‌شده ۲۵ بخشی، نه گروه بخش ذیل به‌عنوان بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران شناسایی شده‌اند: گروه بخش صنایع تولید مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات؛ صنایع تولید منسوجات، پوشاک و چرم؛ ساخت چوب، کاغذ و محصولات آنها؛ ساخت محصولات لاستیکی، پلاستیکی، شیشه‌ای و محصولات کانی غیرفلزی؛ ساخت محصولات اساسی آهن، فولاد، مس، آلومینیوم و سایر فلزات؛ ساخت و سائل‌نقلیه موتوری، تریلر، نیم‌تریلر و سایر تجهیزات حمل‌ونقل؛ ساختمان؛ تأمین برق، گاز و آب؛ حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات. با توجه به این مطلب که، بکارگیری جداول تجمع‌شده داده-ستانده، منجر به بروز خطا در شناسایی بخش‌های کلیدی هستند و ممکن است، بخش‌های تحت‌عنوان بخش کلیدی شناسایی گردند که ناکارا باشند و سرمایه‌گذاری اشتباه در آنها منجر به اتلاف منابع کشور شود، لذا توصیه نتایج این مقاله به برنامه‌ریزان اقتصادی، برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کشور، استفاده از جداول داده-ستانده تجمع‌نشده (اصلی) برای شناسایی و تحلیل‌های اقتصادی است.

منابع و مآخذ

آسیایی، محمد (۱۳۸۳)، اندازه‌گیری رشد بالقوه اقتصادی ایران: تحلیلی براساس الگوی پویای داده-ستانده، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.

اسفندیاری، علی اصغر (۱۳۷۷)، تعیین صنایع کلیدی بر مبنای شاخص پیوندهای فراز و نشیب در اقتصاد ایران، با استفاده از جدول داده-ستانده سال ۱۳۶۵؛ *مجله‌ی برنامه و بودجه*، شماره ۱ و ۲، صص ۴۰-۳. جهانگرد، اسفندیار (۱۳۷۷)، شناسایی فعالیت‌های کلیدی صنعتی ایران در یک برنامه توسعه اقتصادی؛ *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۱۲۳-۹۹.

جهانگرد، اسفندیار (۱۳۷۹)، تجزیه و تحلیل تصادفی مدل داده-ستانده در ایران؛ *مجله‌ی برنامه و بودجه*، شماره‌ی ۵۶ و ۵۷، صص ۵۱-۶۴.

جهانگرد، اسفندیار (۱۳۸۱)، شناسایی فعالیت‌های کلیدی صنعتی ایران، *فصلنامه پژوهش و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۲۱، صص ۷۰-۴۵.

جهانگرد، اسفندیار و پردیس عاشوری (۱۳۸۹)، شناسایی بخش‌های کلیدی با رویکرد داده-ستانده (IO) اقتصاد سنجی (EC) و تحلیل پوششی داده‌ها (DEA): مطالعه موردی ایران، *فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی*، شماره ۳، صص ۱۰۷-۱۳۵.

جهانگرد، اسفندیار و ویدا کشت‌ورز (۱۳۹۱)، شناسایی بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران: رویکرد نوین نظریه شبکه، *اقتصاد و تجارت نوین*، شماره ۲۶ و ۲۵، صص ۹۷-۱۱۹.

غلباش قره‌بلاغی، محمدحسین (۱۳۸۹)، مقایسه‌ی تطبیقی ضرایب فزاینده‌ی ناخالص و ضرایب فزاینده‌ی خالص در تعیین بخش کلیدی اقتصاد ایران؛ رویکرد داده - ستانده، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد*، دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

گتاک، سابراتا (۱۳۶۱)، **اقتصاد توسعه**، ترجمه زهرا افشاری، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

Jahangard.E and Vida Keshtvarz(2012)Identification of Key Sectors for Iran, South Korea and Turkey Economies: A Network Theory Approach,*Iranian Economic Review*, Vol.16, No.32, Spring .pp 41-63.

Malcolm J.Beynon. Max Munday(2007), Stochastic Key Sector Analysis: An Application to a Regional Input-Output Framework *Ann Reg Sci* (2008) 42, pp 863-877.

Morillas, A., & Barbara, D. (2008).Key Sectors, Industrial Clustering and Multivariate Outliers.*Economic Systems Research*, 20(1), pp. 57-73

Rueda-Cantuche, Jose M. and Amores, Antonio F(2007), Key Activities under Joint Input-Output, Econometric and DEA Approaches: The Case of Turkey, *European Commission-DG Joint Research Center IPTS*.

Ten Raa, Thijs; Mark F.J. Steel, (1993), Revised Stochastic Analysis of an Input-Output Model, *Regional Science and Urban Economics* 24 (1994) pp.361-371. North-Holland.

West.Guy(1986)A Stochastic Analysis of an Input-Output Model , *Econometrica*, Vol. 54, No. 2 (Mar., 1986), pp. 363-374.

<http://www.cbi.ir/page/2861.aspx>.

فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی